

کلمه مردمی سعه
معنایی کلمه
جمهوریت را ندارد.
جمهور یک امر
عظیم است. یک
ریشه چند هزارساله
دارد. مشخص
است وقتی
می‌گوییم جمهور
شامل مردم‌پایگی
و مردم‌مداری نیز
می‌شود؛ به همین
دلیل، من کلمه
جمهور را خودم از
این حیث ترجیح
می‌دهم که نیایم
اصطلاحی را باب
کنیم که ادبیات
روشنی ندارد و در
تفاهم با دیگران
دچار مشکل شویم.

با این حساب ۵۰ درصد مشارکت کردند و این افتخار بزرگ به نام مردم ایران ثبت شد. آیت‌الله رئیسی نیز در این بین نقش ویژه‌ای داشت که از عافیت‌طلبی دور ماند و در شکل‌گیری این فضا وظیفه مهمی را بر دوش کشید. آن وضعیت اجتماعی واقعاً حضور او را متعین کرده بود وگرنه تا جایی که در خدمت آقای رئیسی بودم و مرتب درباره این موضوعات صحبت می‌کردیم تا اسفند هیچ نشانه‌ای برای حضور نداشت و هر وقت نظر پیمایش‌ها را می‌بردم، می‌گفت: خب ما چیزی نمی‌گوییم؛ این گویا متغیر است، صبر کنیم شاید اتفاقات دیگری بیفتد. به شدت ذهنش را بری کرده بود از اینکه به انتخابات بیاید، ولی این اتفاق افتاد و به نظرم جز حضور او برای انتخابات نمی‌شد تصور دیگری کرد. در حال به نظرم ما در حوزه روایتگری و تبیین انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ خیلی قصور کردیم.

این انتخابات فارغ از پشتوانه رأی دولت سیزدهم یا میزان مقبولیت آیت‌الله رئیسی، از جهت دیگری می‌تواند برای خود جمهوری اسلامی محل تأمل باشد. به‌ویژه که در تحلیل شما نیز به آن اشاره‌ای شد. هرچند می‌دانیم که وضعیت مشارکت در پدیده پیچیده‌ای مانند انتخابات ریاست جمهوری را نباید تک‌عاملی تحلیل کرد؛ خود شما از کاهش مشارکت چه تفسیری دارید؟

اشاره من هم به همین مورد بود. ما واقعاً خیلی نگران افکار عمومی بودیم و شاید آن مقطع دوساله را به صورت و بیناری یا حضوری محدود در دانشگاه تهران و جاهای دیگر در تبیین چرایی اُفت شدید سرمایه اجتماعی بیش از شش‌هفت جلسه برگزار کردیم. متأسفانه ما هنوز در بسیاری موارد این مسئله را جدی نگرفته‌ایم. ما یک هسته سخت برای انقلاب داریم که آن‌ها در هر شرایطی پای کار انقلاب هستند. البته فردی هم که به نمایندگی از مردم به صحنه می‌آید، مهم است. آن هسته سخت با آقای رئیسی نشاط و انگیزه می‌گرفت، اما با فردی غیر از آقای رئیسی تنها به یک احساس تکلیف درباره رأی دادن اکتفا می‌کرد. از این هسته سخت که بگذریم ما یک لایه و قشر عام‌تری داریم که جمعیت بالایی می‌شوند. این طور نیست که این قشر حاضر باشند در هر وضعیتی در انتخابات مشارکت کنند. در داخل جریان نظام آقای خاتمی ۲۰ میلیون رأی آورده است. آیا این ۲۰ میلیون رأی به جریان چپ بوده یا به نوعی مربوط به اوضاع آن روز در سال ۱۳۷۶ است؟ آقای احمدی‌نژاد سال ۱۳۸۸، ۲۵ میلیون رأی آورد؛ ولی این پایگاه ۲۵ میلیونی برای یک جریان سیاسی نیست؛ بلکه بخش عمده آن به قشر خاکستری و جمعیت بینابینی مربوط است که تعیین‌کننده‌اند. این قشر در دوره انتخابات ۱۴۰۰ به شدت دچار ناامیدی شده بود. یک بخش از آن، طبقه